

بررسی و نقد نظریه دکتر سها درباره شبهه تبعیض به زنان در برداشت از آیه ۳۲ سوره نساء

حسن خلیلی چلیانلو*

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۲۰

صدرا علی پور**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۱

رضا میرزایی ملکی سرای***

یوسف مقدسی****

چکیده

واژه «تبعیض» همواره مورد توجه گروه‌هایی از مردم جامعه بوده است، احساس تبعیض کنندگان، به شکل‌های مختلف با تبعیض و نابرابری مبارزه کرده‌اند. مبحث تبعیض جنسیتی نیز از گذشته‌ها مورد توجه بوده و با رشد مکاتب فمینیستی در طول دهه‌های گذشته، شدت بیش‌تری یافته است. در چند سال گذشته، فردی با نام مستعار دکتر سها با نوشتن کتاب «نقد قرآن» و انتشار آن در فضای حقیقی و مجازی، با ایجاد شبهاتی، چنین وانمود کرده است که انواع تبعیض‌ها از جمله تبعیض در مورد زنان، در قرآن روا دیده شده است. محور این نوشتار، پاسخ قرآنی به «شبهه تبعیض به زنان» می‌باشد که سها بر اساس آیه ۳۲ سوره نساء به قرآن نسبت داده است. این مقاله که با روش تحلیل محتوا و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای سامان یافته، ضمن پاسخگویی به این شبهه، به نتیجه رسیده است که شبهات ایجاد شده توسط سها، اشکال مبنایی داشته و آیات قرآن با هر نوع تبعیض و ناعدالتی مبارزه کرده و برنامه‌ای عادلانه برای بشریت به ویژه در روابط اجتماعی و خانوادگی تبیین کرده است.

کلیدواژگان: نقد قرآن، دکتر سها، تبعیض، زنان.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

** استادیار گروه معارف اسلامی، واحد ماکو، دانشگاه آزاد اسلامی، ماکو، ایران.
Dr.sadralipour@gmail.com

*** استادیار گروه معارف اسلامی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

**** استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان آذربایجان غربی.

نویسنده مسئول: صدرا علی پور

مقدمه

انسان به طور فطری، عدالت طلب بوده و با انواع تبعیض در ابعاد فردی و اجتماعی آن مخالف است. عدالت راه علم و آگاهی و رشد و شکوفایی را هموار کرده و ظلم و تبعیض، جامعه را به سمت گمراهی هدایت نموده و سد بزرگی در مسیر پیشرفت انسانی ایجاد کرده است. هدف از بعثت انبیای الهی، مبارزه با هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی است، اسلام عدالت را به عنوان شاکله اصلی جهان هستی معرفی می‌کند، در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم نقل شده: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضُ» با موازنه و برابری، اجزای عالم، آسمان‌ها و زمین ایستاده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۱۰۷). /امیر مؤمنان امام علی علیه السلام نه تنها نماد عدالت در میان مسلمانان است، بلکه این خورشید عدالت در طول تاریخ و در تمام جوامع درخشیده و روشنای راه تاریک بشریت بوده است، نویسندگان مسلمان و غیر مسلمان در این موضوع کتاب‌ها نوشته‌اند، هرچند واژه‌ها از وصف عدالت امیر مؤمنان علیه السلام عاجز است.

در مکتب اصیل اسلام و در سیره اهل بیت علیهم السلام بر خلاف ادعای مادی‌گرایان، نه تنها هر نوع تبعیضی در جامعه به شدت نهی شده است، بلکه اوج عدالت در همه ابعاد آن، در زمان تشکیل حکومت مهدوی بروز و ظهور پیدا خواهد کرد به طوری که کم‌ترین تبعیض و ظلمی بر هیچ قشری - به ویژه زنان - اعمال نخواهد شد؛ در وصف این ایام، حضرت باقر علیه السلام می‌فرمایند: «حَتَّى تَخْرُجَ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ لَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۵۲، ۳۴۳، باب ۲۷) تا آنجا که زن ناتوانی از مشرق، به مقصد مغرب خارج می‌گردد و هیچ کس مانع او نخواهد شد. در مکتب قرآن کریم - بر خلاف ادعای صاحب شبهه - به لطافت روحی زن و به نقش‌های متناسب با این روح لطیف عنایت خاصی شده حتی طبق ادعای منابع معتبر دینی، سیزده نفر از زنان صالح در زمان ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فی فرجه رجعت نموده و وظایف مهمی مطابق با روح زنانگی ایفا خواهند کرد. با وجود این همه تأکید، افرادی همچون سها با ایجاد شبهه، اسلام را عامل تبعیض معرفی کرده که بر اساس آیات قرآن، ظلم و تبعیض بر زنان روا دیده شده است. نگارندگان این مقاله، با شیوه

تحلیل محتوا، به دنبال پاسخگویی به این پرسش خواهند بود که برداشت سها از آیه ۳۲ سوره نساء به چه میزان با تفسیر واقعی از این آیه سازگاری دارد.

پیشینه بحث

کتاب «نقد قرآن» که نویسنده‌اش در ابتدای کتاب، خود را با نام مستعار «دکتر سها» معرفی کرده است در سال ۱۳۹۱ عرضه و دومین ویرایش آن در سال ۱۳۹۳ شمسی در فضای حقیقی و مجازی منتشر شده است (آدرس نامعلوم بدون هیچ گونه اطلاعاتی drsoha2012@gmail.com). تا کنون چند جلد کتاب محدود در نقد آن به رشته تحریر درآمده و بیش از بیست مقاله و سی پایان‌نامه با محوریت کتاب «نقد قرآن» به ثبت رسیده که برخی از آن‌ها به اتمام رسیده و برخی در حال تألیف می‌باشد. در بین مقالات ثبت شده با محوریت شبهات سها بر آیات قرآنی، از جمله مقاله «بررسی کرامت انسان در قرآن با تأکید بر شبهات دکتر سها در کتاب «نقد قرآن»» نوشته/اکرم منتظری، «بررسی داستان‌های خلقت و پیامبران گذشته با تأکید بر شبهات دکتر سها در کتاب نقد قرآن»، «بررسی توحید و قیامت، احکام و عبادات با تأکید بر شبهات دکتر سها در کتاب «نقد قرآن»» نوشته عبدالحسین شورچه و سمیرا حیاتی، مقاله‌ای با موضوع رد تبعیض به زنان در قرآن با تأکید بر شبهات دکتر سها تا کنون منتشر نشده است.

شبهه وجود تبعیض جنسیتی در قرآن

نویسنده کتاب «نقد قرآن» معتقد است؛ قرآن برای اقشار مختلف جامعه تبعیض قائل شده است، یکی از این تبعیض‌ها مربوط به زنان است که باعث گسترش ناعادالتی نسبت به آنان در جوامع اسلامی شده است. در سه محور؛ طرح شبهه، بررسی و تحلیل شبهه و پاسخ به شبهه، مباحث سها نقد می‌شود:

۱. طرح شبهه

در کتاب «نقد قرآن» آمده است: یکی از عوامل بی‌عدالتی در قرآن، توصیه آن به رضایت و خشنودی از تبعیض‌های موجود در جامعه است. مردم توصیه شده‌اند

تبعیض‌های ناروا را بپذیرند چون این تبعیض‌ها خواست خداست. بدین صورت مذهب افیونی است که فقرا و بردگان و زنان را به طور دائمی در ذلت خویش نگه می‌دارد(سها، ۱۳۹۳: ۵۲۰). آیه ۳۲ سوره نساء را دلیل مدعای خود قرار داده است، که می‌فرماید:

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (نساء/۳۲)

ترجمه از کتاب نقد قرآن: و زنهار آنچه را خداوند به آن بعضی از شما بر بعضی برتری داده آرزو مکنید، برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و از فضل خدا درخواست کنید که خدا بر هر چیزی داناست. او نتیجه می‌گیرد آیه از مردم خواسته هیچ اقدام عملی در مقابل تبعیض و ناعدالتی نداشته باشند و فقط دعا کنند تا خدا از فضل خود این تبعیض‌ها را برطرف کند. به اعتقاد سها، این آیه و آیات دیگر قرآن زنان را به طور دائمی در ذلت خویش نگه می‌دارند(سها، ۱۳۹۳: ۵۲۰ و ۵۲۱).

۲. بررسی و تحلیل شبهه

مکاتب مادی که سها نیز داعیه‌دار آن است، مدعی است که ادیان در حق زنان ظلم کرده و با ابتناء به همین آیات و روایات اسلامی، محرومیت تاریخی زنان رقم خورده است. حال برای جبران آن، باید دو برابر به زنان توجه کرد تا تبعیض تاریخی آن‌ها جبران شود. باید زنان مسئولیت‌های جوامع را در دست بگیرند، امور جامعه و مشاغل مهم در اختیار آن‌ها باشد تا با تبعیض معکوس، شخصیت مدفون زن بازسازی شود. شخصیتی که در آن زن تحقیر شده و زیبایی او دروازه جهنم و ابزار شیطان معرفی می‌شود. زن به خاطر این لعنتی که به جهان آورده باید مدام شرمنده باشد(راسل، ۱۳۵۴: ۷۳).

نظریه‌پردازان الهیات مسیحیت، با کنار گذاشتن اصول دینی و برای جبران ظلم تاریخی کلیسا، به ترویج الهیات فمینیستی روی آوردند، بنا به نوشته ویلی دورانت، در

قرون وسطی زن آلتی در دست شیطان برای فریب مردان و عامل اصلی فرستادن مردان به جهنم بود (ویل دورانت، ۱۳۸۵ش، ج ۴: ۱۱۱).

سُها و همفکران وی - که دانسته یا ندانسته این راه را ادامه می‌دهند - نیز بر طبل تبعیض به زنان در مکتب قرآن می‌کوبند، غافل از اینکه عدالت اعم از عدالت در عقیده و افکار، عدالت در عمل و اخلاق، عدالت در قضا و داوری، عدالت اجتماعی، همگی در قرآن جمع شده است، به عبارت دیگر، قرآن محل تجمع و پرورش نهال و درختان عدل و داد است (خوئی، ۱۳۸۲: ۴۱). عدالت به عنوان هدف نهایی پیامبران معرفی می‌شود:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾
(حدید/۲۵)

«ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند»

در این آیه فلسفه ارسال رسل و انزال کتب اقامه عدالت اجتماعی و قسط عنوان می‌شود (معارف، ۱۳۸۳: ۸۳). در آیه‌ای دیگر می‌خواهد قضاوت در بین مردم بر پایه عدل و داد باشد:

﴿وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾ (نساء/۵۸)

«هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید از روی عدالت داوری کنید»

با این قوانین عادلانه، ارزش‌های معنوی و اخلاقی احیا شده و مردم از وضعیت اسفباری که در آن زمان بشریت را در پرتگاه نابودی قرار داده بود، نجات یافتند و این به غیر از معجزه شدنی نبود (جواهری، ۱۳۸۵: ۱۲۷). این عدالت، نشانه یگانگی ذات باری تعالی است. بنابراین شما هم با آنان هم‌صدا شوید و بر اجرای عدالت در جامعه قیام کنید (رادمنش، ۱۳۷۴: ۱۵۴). خداوند از بشر به معنای عام و از مؤمنین به معنای خاص می‌خواهد که جامعه انسانی خود را بر پایه عدل و داد استوار سازند و در اجرای عدالت و انتشار این حقیقت در جامعه و نحوه اجرای آن در ابعاد فردی و اجتماعی واقع‌بین باشند (مهدوی راد، ۱۳۸۲: ۱۵). در آیات قرآن، پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به عنوان شأن رسالت و شریعتش امر به عدل شده است: ﴿...وَأَمْرٌ بِالْعَدْلِ بَيْنَكُمْ...﴾ (مأمورم

که در میان شما عدالت کنم(شوری/۱۵). در جای دیگر، به آن حضرت دستور می‌دهد: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ...» بگو پروردگرم به عدالت فرمان داده است(اعراف/ ۲۹). علاوه بر آیات فراوان، عدالت با مکتب مهدوی هم عجین است، پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم می‌فرماید: «شما را به مهدی عجل الله تعالی فی فرجه بشارت می‌دهم، او در زمانی که مردم گرفتار اختلاف، درگیری و آشوب هستند، در امت من برانگیخته می‌شود و جهان را از عدالت و برابری پر می‌سازد، همچنان که از ستم پر شده است»(احمد بن حنبل، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۷). با این همه تأکید بر عدالت در شئون مختلف چگونه می‌توان ادعا کرد که قرآن به حقوق متقابل زن و مرد توجه نکرده و قائل به تبعیض شده است.

۳. پاسخ به شبهه

با تحلیل شبهه، مشخص گردید اسلام، دین عدالت بوده و ادعاهای سها و همکاران احتمالی وی در طرح چنین شبهه‌ای، غیر واقعی و غیر علمی است. می‌توان گفت که رویکرد اسلام در قبال حقوق زنان رویکرد استحقاقی است یعنی اینکه زن متناسب با ویژگی‌های خود حقوقی را دریافت می‌کند(فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۴۲: ۳۰-۲۹). برای تبیین بیش‌تر بحث، در چند محور به شبهه تبعیض نسبت به زنان با استفاده از آیات قرآنی و برخی از روایات اسلامی پاسخ داده می‌شود.

تأکید قرآن بر حذف ریشه‌های تبعیض: قرآن به جای اعتقاد به مدفون بودن شخصیت زن و ضرورت جبران این عقب ماندگی با تبعیض معکوس، می‌خواهد ریشه تبعیض را اصلاح کند تا جامعه اصلاح شود. عرف جامعه همواره جنس مرد را بر زن ترجیح داده است، اما نگاه مکتب الهی نسبت به زنان عادلانه است؛ چند نمونه از زنانی که در قرآن و روایات اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند، آورده می‌شود:

جایگاه ویژه حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها: به شهادت تاریخ، در عصر نزول قرآن، زنان در وضعیت بسیار بدی قرار داشتند، زنانی که به دلیل زاییدن دختر تحقیر و دخترانی که زنده به گور می‌شدند، این بار با آمدن اسلام، هم‌سطح و یا بالاتر از پسران قرار گرفتند، سیره پیامبر - که نویسنده کتاب نقد قرآن انواع توهین‌ها را به وجود مقدس ایشان روا داشته است - و معصومین علیهم السلام، تبعیض را از زنان برداشت. در شأن

حضرت فاطمه(س) - به عنوان یک زن - آیات زیادی نازل شده است، سوره کوثر، شأنیت آن حضرت را به عنوان یک زن به خوبی بیان کرده است. در حدیث قدسی جایگاه فاطمه زهرا/سلام الله علیها از همه معصومین علیهم السلام بالا ذکر شده است «يَا أَحْمَدُ! لَوْلَا كَمَا خَلَقْتَ الْأَفْلَاكَ، وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا» ای احمد! اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی کردم و اگر علی نبود تو را خلق نمی کردم و اگر فاطمه نبود شما دو نفر را خلق نمی کردم(مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶: ۴۰۵ و ج ۷۱: ۱۱۵).

حضرت خدیجه سلام الله علیها: به عنوان همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم جایگاه ویژه و کلیدی در پیروزی اسلام دارد، ایشان اولین مسلمان و یا اولین زن مسلمان شناخته شده است(خلیلی، ۱۳۹۲: ۶۸). اسلام و قرآن به شایستگی افراد توجه دارد نه جنسیت و قرابت آنها، چراکه در کنار جایگاه ویژه حضرت خدیجه سلام الله علیها، برخی از زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم مورد توبیخ قرار می گیرند:

﴿وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ...﴾ (تحریم/۳)

«به خاطر بیاورید هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت...»

پس، دین اسلام تبعیضی بین زن و مرد و یا نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم با دیگران قائل نشده است.

جایگاه مریم سلام الله علیها: بر خلاف انتظار مادر مریم سلام الله علیها، فرزندش دختر به دنیا آمد و طبق آیین زمان، دختر نمی تواند خدمتکار عبادتگاه باشد، می گوید: «لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى» پسر، همانند دختر نیست(آل عمران/۳۶) اما خداوند مریم سلام الله علیها را به طرز شایسته ای می پذیرد:

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا﴾ (آل عمران/۳۷)

«خداوند، او [مریم] را به طرز نیکویی پذیرفت، و به طرز شایسته ای، (نهال وجود) او را رویانید(و پرورش داد)»

اما نه به خاطر دختر بودن بلکه به خاطر سلامت، شایستگی و استعدادی که دارد، گاهی دختر به جایی می رسد که پسر امکان رسیدن به آن جایگاه را ندارد. مریم سلام

الله علیها چنین مقام والایی دارد(قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۲: ۵۱). در وجود انسان و در فطرت او استعداد‌های شگفتی نهفته است که اگر تحت تعالیم الهی قرار گیرد استعداد نهفته در وجود او فارغ از جنسیت، شکوفا خواهد شد(مکارم، ۱۳۹۷، ج ۲: ۵۲۸). خداوند نفرموده چون سال‌هاست عبادتگاه در اختیار مردان است، برای جبران این تبعیض، می‌خواهم یک زن را به آنجا راه دهم، بلکه مریم سلام الله علیها را به دلیل شایستگی معنوی و اخلاقی و لیاقتی که داشته، قبول کرده است.

همسر فرعون: در مکتب قرآن، آسیه زن فرعون به عنوان یکی از چهار زن برتر تاریخ بشریت شناخته شده و بهشتی می‌شود(بخاری، ۱۳۸۶، ج ۶: ۳۲۰). اما زن لوط نبی هر چند همسر پیامبر خداست جهنمی می‌شود:

﴿فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ﴾ (اعراف/۸۳)

«چون کار به اینجا رسید) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم جز

همسرش که با بازماندگان(در شهر) بود»

﴿لَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتُكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ﴾ (هود/۸۱)

«هیچ یک از شما پشت سرش را نگاه نکنند، مگر همسر تو که او هم به

همان بلایی که آن‌ها گرفتار می‌شوند گرفتار خواهد شد»

و این عین عدالت در مکاتب الهی در رابطه با زنان است که مورد شبهه امثال سها قرار گرفته است.

ملکه سبا: در ماجرای قوم سبا، ملکه آن قوم به عنوان یک زن، چون تدبیر و سیاست دارد به سلیمان(ع) ایمان آورده و قوم خود را هم دعوت به ایمان کرده:

﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ﴾ (نمل/۲۹)

«ملکه سبا) گفت: ای اشراف! نامه پر ارزشی به سوی من افکنده شده»

و مورد تمجید قرآن قرار می‌گیرد.

صیانه ماشطه: در زمان ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، تعدادی از زنان در کنار مردان رجعت خواهند کرد؛ در روایت‌های معتبر نام سیزده نفر از این زنان ذکر شده است. یکی از زنان بزرگ، صیانه ماشطه- آرایشگر دختر فرعون و همسر حزقیل (مردی که در قرآن کریم، از او به عنوان «مؤمن آل فرعون» یاد شده)- است که در

مقابل ظلم فرعون ایستاد و خود و فرزندانش در این راه شهید شدند(محلّاتی، ۱۳۹۶، ج ۵: ۱۵۳). ذکر جایگاه چند نمونه از زنان بزرگ در مکاتب الهی، نشان از توجه این مکتب بر اجرای کامل عدالت دارد.

وضعیت اسفبار زنان قبل از اسلام

با بررسی تاریخ صدر اسلام، وضعیت زنان و جایگاه فردی و اجتماعی آن‌ها قبل و بعد از اسلام کاملاً مشخص می‌شود، صاحب تفسیر «المیزان» با بررسی وضعیت زنان در جوامع مختلف هم زمان با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، نتیجه می‌گیرد: اولاً: در آن زمان زن را در سطح حیوانات و یا پایین‌تر از حیوان می‌پنداشتند، به همین دلیل زن باید در قید تبعیت از مرد زندانی می‌شد.

ثانیاً: در بعد اجتماعی، بعضی از جوامع زن را خارج از افراد اجتماع انسانی و چون یک شیء می‌پنداشتند و یا مانند یک اسیری که به بردگی گرفته شده بود به زن می‌نگریستند و از نیروی کار او بهره می‌بردند.

ثالثاً: محرومیت زن آن روز یک محرومیت همه جانبه بود.

رابعاً: نسبت رفتار مردان با زنان، نسبت رفتار یک موجود قوی با یک موجود ضعیف بود، به اعتقاد مردم آن زمان، زن توانایی استقلال نداشته و باید تحت قیمومیت یک موجود قوی به نام مرد قرار می‌گرفت(طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۶۸).

این دیدگاه در مورد زن به یک جامعه و یا زمان خاصی خلاصه نمی‌شد، رفتارهای خوارکننده و ذلت بار در مورد زنان در همه جوامع آن عصر اعم از متمدن و یا جوامع وحشی با اندکی تفاوت وجود داشت، به طوری که ضعف، خواری و ذلت، یک طبیعت ثانوی برای زنان شده بود، زن حقیرانه به دنیا می‌آمد، حقیرانه و ذلیلانه زندگی می‌کرد و با حقارت می‌مرد. واژه‌هایی همچون ضعیفه با واژه زن عجین شده بود، در فرهنگ‌های مختلف، ضرب‌المثل‌های متعددی درباره ضعف و ذلت زنان وجود داشت که همگی حاکی از وضعیت اسفبار زنان آن روزگار است. اسلام آمد و به زنان عزت داد، آن‌ها را در بسیاری از مسائل همانند مردان و در بعضی از موارد بالاتر از مردان قرار داد. در جهان امروز نیز نگاه اسلام به زن با نگاه غرب متفاوت است، در دنیای غرب و دنیای مادی که

سها داعیه دار آن شده است، به زن یا به چشم کالا نگاه می‌شود و یا به عنوان اسباب شهوترانی مردان، امروزه تفکر الحادی به برکت مکتب اصالت انسان (امانیسم) به دنبال توسعه لذات و شهوات روز افزون مادی است. بر اساس قانونی که در مجلس ملی انگلستان در سال ۱۸۵۰ میلادی به تصویب رسید، زنان شهروند آن کشور محسوب نشده تا جایی که از مالکیت بر تن‌پوش‌های خود محروم شدند (حکیم پور، ۱۳۸۲ش: ۴۰۰). به اعتقاد صاحب‌نظران غرب، نباید به زنان اجازه داده شود تا در خانه بمانند و به پرورش کودکان بپردازند، و جامعه باید به کلی تغییر کند (اچ. بورک، ۱۳۷۹ش: ۴۶۱) بار دیگر ذلتی مدرن بر زنان غرب تحمیل می‌شود.

در آئین اسلام، مسیر سعادت زیر پای مادر قرار می‌گیرد: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» بهشت زیر پای مادران است (نوری، ۱۳۸۲، ج ۱۵: ۱۸۰، باب ۷۰) به دستور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، بسیاری از امور شیعه به دست مادر/امام حسن عسکری علیه السلام معروف به «جده» - که پناه شیعه شده بود- انجام می‌گرفته است (طبسی، ۱۳۷۰ش: ۱۴).

بی توجهی صاحب شبهه به سبب نزول آیه

برای پی بردن به مفهوم آیه، آشنایی با سبب و شأن نزول آن - چنانکه سها در فصل اول کتاب خود به آن اعتراف کرده است - ضروری است (سها، ۱۳۹۳: ۴۳). بدون درک صحیح از اسباب نزول آیات، رسیدن به مفهوم و اهداف عالی قرآن غیر ممکن است. در سبب نزول آیه مورد شبهه (نساء/۳۲) وجوهی ذکر شده است که صرف توجه به آن، ما را از ارائه جواب دیگری بی‌نیاز می‌کند:

۱. زنان، خواستار شرکت در جهاد و شرکت در اجر آن شدند، آیه در جواب آن‌ها نازل گردید (واحدی، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

۲. پس از نزول آیه «سهم الارث مرد دو برابر زن است» (نساء/۱۱) مردان گفتند: کاش در اجر آخرت نیز همین امتیاز را می‌داشتیم، و زنان گفتند: کاش در گناه نیز جزای ما نصف مردان بود، همچنان که سهم الارث ما نصف مردان است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۶۶).

۳. زنان به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گفتند: یا رسول الله، خدای تعالی مردان را در قرآن یاد کرد، اما از ما زنان ذکری نکرد، همانا در ما خیری نیست، و طاعت ما قبول نیست (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۳۴۱).

۴. در بعضی از روایات آمده که چون آیه ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ﴾ (نساء/۱۱) نازل شد، زنان گفتند: می‌ترسیم چنانچه نصیب ما در دنیا نصف است، ثواب ما هم در آخرت نصف باشد. آیه ﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَاللِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾ نازل شد (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲: ۴۱۵).

۵. بنا به قولی، ام سلمه گفت: یا رسول الله! مردان جنگ می‌کنند و زنان نمی‌کنند و از طرفی هم ما به اندازه نصف مردان ارث می‌بریم، ای کاش ما هم مرد بودیم و جنگ می‌کردیم و به آنچه که مردان می‌رسند ما نیز می‌رسیدیم (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۲۱۲).

۶. صاحب «مجمع» پس از ذکر چندین روایت در سبب نزول این آیه، روایتی را از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به نقل از ابن مسعود می‌آورد که آن حضرت فرموده‌اند: «از فضل خداوند مسألت کنید زیرا سؤال از خدا واجب است و بهترین عبادت‌ها انتظار فرج است» (طبرسی، ۱۳۳۳، ج ۳: ۶۴). با ملاحظه سبب نزول آیه، بر خلاف ادعای مدعی، نه تنها از این آیه تبعیضی احساس نمی‌شود بلکه آیه و همچنین احادیث پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تأکید موکد بر اجرای عدالت دارند.

تناقض گویی صاحب شبهه

توجه به عدالت در آیات قرآن و سیره معصومین علیهم السلام آنچنان مبرهن است که خود سها مجبور به اعتراف شده و دچار تناقض گویی شده است. او قرآن را در آیه ۳۲ سوره نساء متهم بر تجویز تبعیض در جامعه اسلامی می‌نماید، در ادامه اولاً: آیه ۱۴۸ نساء را می‌آورد که بر مبارزه با ظلم و تبعیض تأکید دارد. ثانیاً: امام حسین علیه السلام را به عنوان چهره‌ای شاخص در اسلام معرفی می‌کند که بر ظالم زمانه قیام کرد و ثالثاً: اعتراف می‌کند که در قوانین اسلامی و دادگاه‌ها از حق مظلوم در مقابل ظالم دفاع می‌شود. او پس از ذکر این سه مورد از قرآن، سیره معصومین و احکام اسلامی،

می‌نویسد: «این سخنان درست است اما دقت کنید! دقت کنید! ظلم و عدالت در اسلام در قالب احکام و دستورات تعریف شده است نه به صورت فرا دینی» (سها، ۱۳۹۳: ۵۲۲).

آیا اسلام چیزی غیر از قرآن، سیره معصومین علیهم السلام و احکام اسلامی است؟ طبیعی است معیار سنجش تبعیض، ظلم و عدل در اسلام احکام و قوانین دینی باشد نه فرا دینی. یا باید تمام قرآن را قبول کرد و یا تمام قرآن را رد کرد، نمی‌شود آیه‌ای از قرآن را پذیرفت و آیه دیگر را نپذیرفت، نمی‌شود آیه ۳۲ نساء را با فرض اینکه تبعیض را دامن می‌زند پذیرفت ولی در همان سوره، آیه ۱۴۸ را چون دعوت به مبارزه با ظلم و تبعیض کرده است را رد کرد، نمی‌شود شبهه دینی وارد کرد و انتظار جواب فرا دینی داشت، این با هیچ منطق علمی سازگار نیست. حقیقت این است که دکتر سها قرآن را قبول ندارد و حتی خدا را یک موجود وهمی معرفی می‌کند که مخلوق ذهن انسان است (سها، ۱۳۹۳: ۹۳۳). او صرفاً به دنبال شبهه افکنی بوده و در مورد بخش‌هایی از قرآن و یا سیره معصومین علیهم السلام مانند قیام/امام حسین علیه السلام و مبارزه آن حضرت با ظلم و تبعیض - که غیر قابل انکار است - دچار تناقض شده است.

شاکله اصلی مکتب قرآن و پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام مبارزه با ظلم و تبعیض است، در روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد عصر ظهور و اهمیت عدالت در اسلام آمده است: «إذا قام القائم حکم بالعدل وارتفع فی آیامه الجور وأمنت به السبل وأخرجت الأرض برکاتها ورد کل حق الی أهله» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۳۳۸، ح ۸۳) آنگاه که قائم قیام کند، به عدالت حکم راند و در زمان او، ستم رخت بریندد و به واسطه او، راه‌ها ایمن شود و زمین برکاتش را بیرون ریزد و هر حقی به صاحب آن برگردانده شود.

عدالت یا تساوی

یکی از اشتباهات رایج، جایگزینی واژه تساوی با عدالت است، این دو واژه فرق اساسی با هم دارند، عدالت همیشه مطلوب بوده و همه جا ارزش است، ولی تساوی چنین نیست احتمال دارد جایی ارزش و در جای دیگر ظلم باشد. اگر پزشکی به همه مریض‌ها یک نوع دارو تجویز کند تساوی است اما نه تنها عدالت نیست بلکه ظلم هم هست (قرائتی، ۱۳۸۳ ش، ج ۲: ۲۷۹).

اختلاف دیدگاه قرآن با دیدگاه مادی دکتر سها اختلاف در مفهوم است، در مکتب مارکسیستی، عدالت یعنی تساوی، در مکتب لیبرال دموکراسی، عدالت یعنی تساوی در فرصت‌های برابر، به این معنا که فرصت‌هایی مانند تحصیل، اشتغال، استفاده از منابع مادی جامعه و امثال آن باید به صورت برابر برای همه اختصاص یابد. در اندیشه اسلامی، تنوع و تفاوت اصل پذیرفته شده است، اسلام تشابه کارکرد همه اجزاء جامعه را نمی‌پذیرد، بلکه قرار گرفتن اجزاء جامعه هر کدام در جای خود مورد پذیرش اسلام است.

با این نگاه به عدالت، دیدگاه لیبرالی دکتر سها نقد می‌شود، عدالت با معیار فرصت برابر که این نویسنده داعیه دار آن است، با برهان عقل هم سازگاری ندارد در این نگاه، برای رهیافت به عدالت، تمام امکاناتی را که در اختیار یک دانشمند علم شیمی قرار می‌گیرد تا در آزمایشگاه خود به تحقیق و پژوهش پردازد، باید همان امکانات در اختیار یک فرد بی سواد و کشاورز روستایی نیز قرار گیرد تا عدالت رعایت شود این با منطق عقل سازگار نیست، در اسلام عدالت یعنی قرار دادن تک تک افراد در فرصت متناسب نه فرصت برابر. شعار تساوی لیبرالی، زنان را از خانه بیرون کشانده و به ظاهر، آنان را در موقعیت برابر با مردان قرار داده است اما در واقع فیمینیسیم، نقش مادری و همسری را نادیده گرفته و زن را به هر قیمتی به صحنه‌ای کشانده که احتمالاً به دلیل روح لطیفی که دارد قدرت رقابت با مردان را نخواهد داشت.

بر خلاف ادعای صاحب شبهه، در آیات قرآن به عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی عنایت خاصی شده است، یکی از صفاتی که برای اهل بهشت ذکر شده این است که آن‌ها در زندگی دنیوی از اموال و دارایی‌های خود سهمی برای فقرا تخصیص می‌دهند: ﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (ذاریات/۱۹) در اموال آن‌ها حقی برای سائل و محروم بود. این حق غیر از زکاه و خمس است و کمال مواسات با فقراء و محرومین است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵: ۴۶۳). این حق مستحبی است که در مکتب اسلام به پرداختن یک چنین حقی برای رعایت عدالت اقتصادی در جامعه فرمان داده شده است (خوئی، ۱۳۸۲: ۴۹۱). فلسفه این تخصیص حساب شده سهم برای فقرا این است که ثروت عظیم در میان ثروتمندان نچرخد و قشر ضعیف جامعه از آن محروم نشوند: ﴿كَيْ لَا

يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ﴿حشر/۷﴾ این به خاطر آن است که این اموال عظیم دست به دست میان ثروتمندان شما نگردد، و نیازمندان از آن محروم نشوند (شبهه این آیه در سوره معارج آیات ۲۴ و ۲۵ آمده است). با این تدبیر اقتصادی از قطب بندی جامعه به دو قشر اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر که امروزه دامنگیر حکومت‌های لیبرال غربی شده است، جلوگیری می‌شود (مکارم، ج ۲۳: ۵۰۷). نباید اقلیتی ثروت جامعه را تصاحب کنند و با آن استکبار ورزند و عده‌ای دیگر مانند آنچه قبل از اسلام و در زمان جاهلیت متداول بود فقیر و محروم بمانند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۳: ۹۵).

منظور شارع مقدس در آیه مورد بحث این است که تفاوت‌ها را مشخص کند اینکه یکی مرد آفریده شده و دیگری زن و یا یکی به دلیل استحقاقش صاحب حقی شده است، این عدالت است هرچند احساس تساوی نشود. جایز نیست مرد آرزو کند که زن باشد و بالعکس زن آرزو کند که مرد باشد، این تقاضا باطل و خلاف مصلحت الهی است (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ج ۵: ۱۲۶). آرزوی برخورداری مساوی از موهبات الهی اگر تکرار شود به حسادت نفهفته چون آتشی زیر خاکستر تبدیل می‌شود، در صورت فراگیری آن و پیوستن حسد همه انسان‌ها به هم، زمین پر از فساد می‌شود (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۳) و نتیجه آن تباه شدن جوامع انسانی خواهد شد.

تأکید آیه به اسباب و علل در تعیین سرنوشت انسان‌ها

دکتر سها در قسمت آخر شبهه خود ادعا می‌کند که قرآن از مردم خواسته هیچ اقدام عملی در مقابل تبعیض و ناعدالتی نداشته باشند و فقط دعا کنند تا خدا از فضل خود این تبعیض‌ها را برطرف کند (سها، ۱۳۹۳: ۵۲۱).

بر خلاف ادعای وی، قرآن نه تنها تبعیض را نمی‌پذیرد و قبول وضعیت فعلی را برای مسلمانان تجویز نمی‌کند بلکه هشدار می‌دهد که اگر مسلمانان غفلت کنند، غیر مسلمانان اسباب امور را در دست گرفته و بر آن‌ها غلبه می‌کنند. می‌فرماید:

﴿كُلًّا نُمِدُّهُمُؤَلَاءً وَهُؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾ (اسراء/۲۰)

«هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت بهره و کمک می‌دهیم، و

عطای پروردگارت هرگز از کسی منع نشده است»

ذات رحمانی باری تعالی به هر کس که در مسیر اسباب که طبق حکمتی وضع شده است قرار گیرد، عطا می‌کند چه مؤمن باشد چه کافر، این نهایت عدالت است. در آیه مورد بحث، آنجا که می‌فرماید: ﴿وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (نساء/۳۲) منظور این نیست که انسان به دنبال اسباب و عوامل نرود بلکه منظور این است که فضل را از بین اسبابی که خداوند مقرر کرده پیدا کند (داورپناه، ۱۳۷۵ ش، ج ۸: ۲۵). انسان برای رسیدن به برخی نعمت‌ها باید متوسل به اسباب شود (خانی و ریاضی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۳). در فرهنگ قرآن و به ویژه فرهنگ مهدوی تأکید بر بیداری امت اسلام است تا به خود بیایند و بدانند که خدا هرگز زمین را از وجود ناپاکان و کافران پاک نخواهد کرد مگر آنکه مؤمنان به خود آیند و با ظالمان مبارزه کنند (فولادوند، ۱۳۸۰: ۳۳۲). عدالت الهی بر این قرار گرفته که به هر دو گروه مؤمن و کافر آزادی عمل دهد تا به حکم اختیار آنچه را که خواهند بکنند و خدا به هیچ گروهی اعم از کفار و مؤمنین ستم نمی‌کند و زن و مرد بر اساس استحقاق خود از حقوق خود برخوردار هستند.

بر خلاف دیدگاه لیبرالی دکتر سها، در جهان بینی توحیدی همه چیز به خدا منتهی می‌شود، و یک انسان موحد و معتقد به آخرت به صورت مستقل برای خود مالکیتی قائل نیست و اختیار خود را در طول اراده الهی می‌داند نه در عرض این اراده (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۷۴) و وقتی موهبتی به انسان می‌رسد اعم از اینکه زن باشد یا مرد، سرچشمه آن را از خدا می‌داند.

توصیه آیه به آرامش فردی و اجتماعی

برای رسیدن به آرامش روحی و روانی در جامعه و خانواده، علم روان‌شناسی انسان را از آرزوی بیهوده منع می‌کند، چراکه در خلقت عالم یکی مرد و یکی زن خلق شده و اینکه مرد یا زنی آرزو کند که ای کاش از جنس دیگری بود عاقلانه نیست، آیه مورد شبهه نیز به این مهم اشاره دارد که آرزوی بیهوده سبب نگرانی خاطر و تشوّت فکر می‌شود و اگر این نوع آرزوها افزایش یافته و به صورت حسد و نیز شک در آید در نتیجه به دشمنی و فساد منجر می‌شود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۴۹) و جامعه به تباهی کشیده می‌شود. برخی از مفسرین از کلمه «ما» در «ما فَضَّلَ» (همان) استفاده کرده‌اند

که انسان نباید عین آن نعمتی را که دیگران دارند آرزو کند چون این آرزو به این معنا خواهد بود که نعمت از آن فرد گرفته شود (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۲۱۳) و این از رذایل اخلاقی بوده و با شأنیت انسانی در تضاد است. نویسندگان بزرگی در غرب منتقد دیدگاه سها هستند، به اعتقاد آن‌ها چنین دیدگاه افراطی در مورد زنان، نه تنها برای آن‌ها منزلت و عزت نداد بلکه مخرب امنیت روحی و جسمی زنان و به تبع آن مخرب امنیت جامعه شده است (اچ بورک، ۱۳۷۹: ۴۹۳).

نکته ظریفی که در بخشی از آیه مورد بحث یعنی «بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» نهفته است و سها - خواسته یا ناخواسته - با بی‌توجهی از کنار آن رد می‌شود، این است که هر یک از مسلمانان، بعضی اجتماع و عضوی از اعضای جامعه اسلامی معرفی شده است که بر حسب نظام حاکم بر جهان در برخورداری از مواهب الهی متفاوت هستند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۴۹). این قسمت از آیه تسکینی بر مردم و نکته باریک روان‌شناسی برای نشر آرامش در جامعه است، اینکه هر کس از وضعیت موجود خود احساس رضایت کرده و تفاوت‌های طبیعی و غیر اکتسابی را تبعیض تلقی نکرده و به این یقین برسد که هر کس به اندازه تلاش خود دسترنج می‌برد.

طبق یافته‌های علمی، عامل برتری افراد نسبت به یکدیگر را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد؛ یک نوع ذاتی بوده و اکتسابی نمی‌باشد، این ویژگی‌ها ربطی به جنسیت ندارد یعنی افراد - فارغ از اینکه زن باشند یا مرد - احتمال دارد دارای خصوصیتی باشند که دیگری فاقد آن باشد، و کسی که بنا به علل طبیعی این مزایا را ندارد نکوهش نمی‌شود (حجتی، ۱۳۷۷ش: ۲۴۱). خداوند انسان را از آرزوی همراه با کسالت که منجر به تعدی و حسد نسبت به دیگران می‌شود، منع کرده و به تلاش بیش‌تر در کار و تحصیل تشویق کرده است و از انسان‌ها خواسته به جای آرزو و حسد نسبت به خلق، از فضل و احسان بی‌انتهای خدا بخواهند (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۱۹۴).

نوع دیگری از انواع برتری‌ها، اکتسابی است و از راه تلاش و فعالیت به دست می‌آید، قرآن از افراد مؤمن می‌خواهد به جای آرزوهای دور و دراز با تلاش و کوشش از استعداد و ظرفیت خود در تحصیل علم، قدرت و ثروت مفید استفاده کنند نه اینکه دچار توهم شده و صرفاً خود را مشغول آرزوهای دست نیافتنی در مسائلی مانند تفاوت‌های

جنسیتی نمایند. قرآن می‌فرماید انسان برای رسیدن به اهداف عالی به تلاش کند و از خداوند بخواهد برای رسیدن به این اهداف از فضل خود به او عطا کند، «وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» در این صورت خداوند زائد بر مقدار قابلیت و استعداد انسان به او تفضل می‌فرماید (طیب، ۱۳۷۸ ش، ج ۴: ۶۷). وقتی خداوند می‌فرماید از فضل خدا بخواهید نه اینکه انسان بنشیند و دعا کند و هیچ حرکتی نداشته باشد بلکه از راهی که به وسیله اکتساب در اختیارش گذاشته شده پیش برود و ترقی کند که این راه به روی همه باز است (قرشی بنابی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۵۲) و فرقی بین زن و مرد وجود ندارد و هر کس بدون توجه به جنسیت پاداش تلاش خود را می‌گیرد.

جهانی که سها ترسیم می‌کند، جهانی محدود و بن بست است که انسان چند روزی به شکل اتفاقی در آن موجودیت یافته و با مرگ، همه چیز نیست و نابود می‌شود. جهان‌بینی دکتر سها، دنیا را به سان زندانی برای انسان‌ها تداعی می‌کند که هیچ امید رهایی از آن وجود ندارد، در این مکتب مادی، برای رسیدن به موهبت بیش‌تر باید صاحب قدرت و ثروت شد و در این راه استفاده از هر وسیله‌ای قابل توجیه است، نتیجه این ایدئولوژی می‌شود جهانی که امروز شاهد آن هستیم. از این تفکر، استکباری زاییده شده که جهان را در چنگال خود گرفتار کرده و با جعل نهادهای ظالمانه و دادن حق و تو به چند قدرت برتر، میلیاردها انسان را به استثمار کشانده و امنیت و آرامش را از جوامع انسانی و خانواده‌ها و از زنان و مردان سلب کرده است.

نتیجه بحث

تفکرات لیبرالیستی افرادی همچون سها هرچند- در ظاهر- زن غربی را از قیدهای خارجی آزاد کرده است؛ اما در واقع در اسارتی مدرن فرو برده که با اسارت زن در دوران جاهلیت تفاوت چندانی ندارد. مکتب قرآن، هویت فطری و کمال‌یابی زن مسلمان را با مرد یکی دانسته و با رعایت عدالتی کامل، تفاوت‌هایی در وظایف زن با مرد با توجه به ویژگی‌های طبیعی آن قائل شده است.

از مجموع آنچه ارائه شد به دست می‌آید: ۱. نگاه دکتر سها به قرآن، سطحی، ابتدائی و غیر واقعی است، اطلاعات او در مورد قرآن ناکافی بوده و یا در این مورد تجاهل کرده است. ۲. ادبیات وی نسبت به قرآن، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و

مسلمانان بسیار کینه‌توزانه، همراه با تحقیر و توهین و غیر علمی است. ۳. یکی از شاخصه‌های بارز کتاب «نقد قرآن» ترسیم بن‌بست بزرگی است با این تعبیر که دنیا پر از ظلم و تبعیض بوده و هیچ روزنه‌امیدی برای رهایی از آن به ویژه برای زنان وجود نداشته و تنها راه نجات زن، دوری از دین و پناه بردن به فرهنگ مبتذل غرب است. ۴. در نوشته‌های سها، تناقضات و تعارضات فراوانی وجود دارد؛ به طوری که برخی مطالب در بخش‌های مختلف کتاب، توسط خودش نقض شده است.



کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- ابن فارس، احمد بن فارس. ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی بن محمد. ۱۴۰۸ق، روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اچ. بورک رابرت. ۱۳۷۹ش، لیبرالیسم مدرن، ترجمه الهی هاشمی حائری، تهران: انتشارات حکمت.
- احمد بن حنبل، ابوعبدالله. ۱۴۱۴ق، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت: دار الفکر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۴۰۷ق، صحیح، بیروت: دار القلم.
- جواهری، سید محمد حسن. ۱۳۸۵ش، پرسمان علوم قرآنی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. ۱۳۷۶ق، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین.
- حجتی، سید محمدباقر. ۱۳۷۷ش، اسباب النزول، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. ۱۳۶۳ش، تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین. ۱۴۰۴ق، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
- حکیم پور، محمد. ۱۳۸۲ش، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران: انتشارات نغمه نواندیش.
- حیدری نسب، محمد باقر. ۱۳۹۵ش، دفاع از قرآن در رد کتاب نقد قرآن، قم: فرشتگان فردا.
- خانی، رضا و ریاضی، حشمت الله. ۱۳۷۲ش، ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- خلیلی، حسن. ۱۳۹۲ش، بررسی تاریخ نگارش قرآن، قم: انتشارات دلیل ما.
- خوئی، سید ابوالقاسم. ۱۳۸۲ش، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، مترجمان: هاشم زاده هریسی و نجمی، تهران: وزارت ارشاد.
- داورپناه، ابوالفضل. ۱۳۷۵ش، أنوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات صدر.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۳ش، لغتنامه دهخدا، تهران: روزنه.
- رادمنش، سید محمد. ۱۳۷۴ش، آشنایی با علوم قرآنی، تهران: علوم نوین/جامی.
- راسل، برتراند. ۱۳۵۴ش، زناشویی و اخلاق، ترجمه مهدی افشار، تهران: انتشارات کاویان.
- زبیدی، محمد مرتضی. ۱۴۱۴ق، تاج العروس، بیروت: دار الفکر.
- سها. ۱۳۹۳ش، نقد قرآن، منتشر شده در سایت‌های اینترنتی، ویرایش دوم.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. ۱۳۳۳ق، **مجمع البیان فی علوم القرآن**، بیروت: طبع صیدا.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. ۱۳۶۰ش، **مجمع البیان فی علوم القرآن**، ترجمه مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی.
- طبسی، محمدجواد. ۱۳۷۰ش، **زنان در حکومت امام زمان**، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرين**، مرتضوی، تهران: بی نا.
- طیب، سید عبدالحسین. ۱۳۷۸ش، **أطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات اسلام.
- علوی سرشکی، سید محمدرضا. ۱۳۹۵ش، **نقد و بررسی کتاب نقد قرآن**، منتشر شده در اینترنت.
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فولادوند، محمد مهدی. ۱۳۸۰ش، **قرآن شناسی**، تهران: الست فردا.
- فیض کاشانی، ملا محسن. ۱۴۱۵ق، **تفسیر الصافی**، تهران: انتشارات الصدر.
- فیومی، احمد بن محمد. ۱۴۱۴ق، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. ۱۴۱۵ق، **القاموس المحیط**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- قزائتی، محسن. ۱۳۸۳ش، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی بنابی، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۴ق، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محللاتی، ذبیح الله. ۱۳۹۶ش، **ریاحین الشریعة در ترجمه بانوان دانشمند شیعه**، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۶ش، **معارف قرآن**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- معارف، مجید. ۱۳۸۳ش، **پرسش و پاسخ‌هایی در شناخت تاریخ و علوم قرآنی**، تهران: کویر.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۹۷ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- مهدوی راد، محمدعلی. ۱۳۸۲ش، **آفاق تفسیر مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی**، تهران: هستی‌نما.
- میرزا خسروانی، علی رضا. ۱۳۹۰ق، **تفسیر خسروی**، تهران: انتشارات الاسلامیة.
- نجفی خمینی، محمد جواد. ۱۳۹۸ق، **تفسیر آسان**، تهران: انتشارات اسلامیه.
- نوری، میرزا حسین. ۱۳۸۲ق، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- ویل دورانت. ۱۳۸۵ش، **تاریخ تمدن**، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مقالات

رازقی، محمد علی. تابستان ۱۳۹۹ش، «فمنیسم؛ مبانی ایجابی یا سلبی در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۴۲، صص ۳۴-۹.

Bibliography

- The Holy Quran, translated by Makarem Shirazi
- Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris. (1404 AH), Dictionary of Language Comparisons, Qom: Islamic Media School.
- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram. (1414 AH), Arabic language, Beirut: Dar Sader.
- Abu al-Futuh al-Razi, Hussein ibn Ali ibn Muhammad. (1408 AH), Rawd al-Jannan and Ruh al-Jannan fi Tafsir Al Qur'an, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation
- Burke Robert. (2000), Modern Liberalism, translated by Hashemi Haeri, Tehran: Hekmat Publications.
- Ahmad Ibn Hanbal, Abu Abdullah.(1414 AH), Musnad of Imam Ahmad Ibn Hanbal, Beirut: Dar al-Fikr.
- Bukhari, Muhammad ibn Ismail. (1407 AH), Sahih, Beirut, Dar al-Qalam.
- Javaheri, Seyed Mohammad Hassan. (2006), Question of Quranic Sciences, Qom: Islamic Propaganda Office.
- Johari, Ismail bin Hamad. (1376 AH), Al-Sahah, Beirut: Dar Al-Alam for the Muslims.
- Hojjati, Sayyed Mohammad Baqir. (1998), The Causes of Revelation, Tehran: Islamic Publishing and Culture Office.
- Husseini Shah Abdul Azimi, Hussein bin Ahmad. (1984), Tafsir Asna Ashri, Tehran: Miqat Publications.
- Hosseini Hamedani, Sayyed Mohammad Hossein. (1404 AH), Anvar Derakhshan, Tehran: Lotfi Bookstore.
- Hakimpour, Mohammad, (2003), Women's Rights in the Struggle between Tradition and Modernity, Tehran, Naghme Navandish Publishing, First Edition.
- Heidari Nasab, Mohammad Baqir. (2016), Defending the Qur'an in Rejecting the Book of Quran Criticism, Qom: Angels of Tomorrow.
- Khani, Reza and Riyazi, Heshmatullah. (1993), translation of the expression of happiness in the place of worship, Tehran: Payame Noor University Press.
- Review of the history of writing the Quran, Qom: Dalil Ma Publications.
- Khoei, Sayyed Abolghasem. (2003), Expression in the sciences and general issues of the Qur'an, Translators: Hashemzadeh Harisi and Najmi, Tehran: Ministry of Guidance.
- Davarpanah, Abolfazl (1996), The Lights of Mysticism in the Interpretation of the Qur'an, Tehran: Sadr Publications.
- Dekhoda, Ali Akbar. (1994), Dekhoda Dictionary, Tehran: Rozaneh

- Radmanesh, Sayyed Mohammad (1995), Introduction to Quranic Sciences, Tehran: Modern Sciences / Jami.
- Razeghi, Mohammad Ali. (2020), Feminism; Positive or Negative Foundations in the Holy Quran, Quarterly Journal of Quranic Studies. 2020. No. 42.34-9.
- Russell, Bertrand. (1975), Marriage and Ethics, translated by Mehdi Afshar, Tehran: Kavian Publications.
- Soha(2014), Critique of the Quran, published on Internet sites, second edition.
- Tabatabai, Sayyed Muhammad Hussein (1417 AH), Al-Mizan in the interpretation of the Qur'an, Qom: Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom.
- Tabarsi, Abu Ali Fadl Ibn Hassan. (1333 AH), Majma 'al-Bayyan fi Uloom al-Quran, Beirut: Taba Saida.
- Tabarsi, Abu Ali Fadl Ibn Hassan. (1981). Majma 'al-Bayyan fi Uloom al-Quran. Translators, Tehran: Farahani Publications
- Tabasi, Mohammad Javad (1991), Women in the rule of Imam Zaman, Tehran: Cultural Foundation of the Promised Mehdi.
- Tarihi, Fakhruddin bin Muhammad (1996) Bahrain Complex, Mortazavi, Tehran.
- Tayyib, Sayyed Abdul Hussein (1999), Atib al-Bayyan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Islam Publications.
- Alavi Sarshaki, Sayyed Mohammad Reza, (2016), Review of the book Critique of the Quran, published on the Internet.
- Fakhruddin Razi, Muhammad ibn Umar. (1420 AH), Mafatih al-Ghayb, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Fooladvand, Mohammad Mehdi (2001), Quranology, Tehran: Alst Farda.
- Firuz Abadi, Muhammad bin Yaqub. (1415 AH), Almohit Dictionary, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
- Faiz Kashani, Mullah Mohsen (1415 AH), Tafsir al-Safi, Tehran: Al-Sadr Publications.
- Fayumi, Ahmad ibn Muhammad. (1414 AH), Al-Misbah Al-Munir in Gharib Al-Sharh Al-Kabir for Rafi ', Qom: Dar Al-Hijra Institute.
35. Qaraati, Mohsen (2004), Tafsir Noor, Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
- Ghorashi Bonabi, Ali Akbar, (1998), Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran: Besat Foundation.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1404 AH), Baharalanwar, Beirut: Al-Wafa Institute.
- Mahallati, Zabihullah (2017), Riyahin al-Shari'a in translation by Shiite women scholars, Tehran: Islamic Library
- Zabidi, Mohammad Morteza (1414 AH), Taj Alaroos, Beirut: Dar al-Fikr.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2007), Quranic Knowledge, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.

- Maaref, Majid. (2004), Questions and Answers in Understanding History and Quranic Sciences, Tehran: Kavir.
- Makarem Shirazi, Nasser. (2018), Nemoneh Interpretation, Tehran: Islamic Library.
- Mahdavi Rad, Mohammad Ali (2003), Horizons of Interpretation of Articles and Categories in Interpretation Research, Tehran, Hastinama.
- Mirza Khosravani, Ali Reza. (1390 AH), Tafsir Khosravi, Tehran: Islamic Publications.
- Najafi Khomeini, Mohammad Javad (1398 AH), Asan Interpretation, Tehran, Islamic Publications.
- Nouri, Mirza Hussain (2003), Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il, Tehran: Islamic Bookstore.
- Will Durant (2006), The History of Civilization, translated by Abolghasem Taheri, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.



Analysis and Criticize of Dr. Soha's Theory on Doubt of Discrimination of Women in Understanding Verse 32 of Nisa Surah

Hasan Khalili

PhD Candidate, Quranic & Hadith Sciences, Islamic Azad University, Urumiya Branch

Sadra Alipoor

Assistant Professor, Islamic Sciences, Islamic Azad University, Makoo Branch

Reza Mirzaee Maleki

Assistant Professor, Islamic Sciences, Islamic Azad University, Urumiya Branch

Yousef Moqaddasi

Assistant Professor, Islamic Sciences, Farhangiyan University, West Azerbaijan Branch

Abstract

the word "discrimination" has always been considered by groups of people in society, the feelings of discriminators have struggled with discrimination and inequality in various ways. The issue of gender discrimination has been a focus of concern in the past and has intensified with the growth of feminist schools over the past decades. In the past few years, a person nicknamed Dr. Soha, by writing the book "Critique of the Qur'an" and publishing it in real and virtual websites, has created suspicions that all kinds of discrimination, including discrimination against women, are allowed in the Qur'an. The focus of this article is the Qur'anic response to the "suspicion of discrimination against women" which Soha attributed to the Qur'an based on verse 32 of Nisa Surah. This article, which uses the method of content analysis and organized library studies, while responding to this suspicion, has concluded that the suspicions created by Soha, has fundamental forms and the verses of the Qur'an have fought against all forms of discrimination and injustice and explained just programs for humanity, especially in social and family relations .

Keywords: Quran criticism, Dr. Soha, discrimination, women.